

پیوند حج با امامت و ولایت
تألیف: سید جواد ورعی

حضور «امامت» در بنای کعبه

امامت در قرآن

اسلام و پیوند دادن امامت با حج

حج و ابلاغ پیام برائت

رؤوس سخنرانیهای رسول خدا در حَجَّة الوداع

پیوند با ولایت، شرط قبولی حج

پیوند با ولایت و رهبری، شرط تمامیت حج

امنیت حرم الهی در پیوند با رهبری

پیوند ابدی حج با امامت

اقامه حج ابراهیمی در سایه حکومت اسلامی

الف - وحدت مسلمانان

ب - حج و بیداری اسلامی

ج - حل مشکلات مسلمانان و مستضعفان

برائت از مشرکان

بینوشت ها

حضور «امامت» در بنای کعبه

کعبه به عنوان خانه خدا و عبادتگاه او به امر الهی و به وسیله ابراهیم خلیل الرحمان و فرزندش اسماعیل (علیهما السلام) بنا گردید. ابراهیم از پیامبران اولوالعزم الهی، پس از آن که به مقام نبوت رسید، برای رشد و تعالی بیشتر و رسیدن به مقام «خلت» و «امامت» در معرض آزمایشهای متعدد و دشواری قرار گرفت. قرآن کریم با صراحت از این مطلب سخن میگوید و میفرماید:

{وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ¹ } اینکه ابراهیم با موفقیت در چه امتحاناتی صلاحیت احراز مقام «امامت» را یافت، میان مفسران اختلاف وجود دارد و مستند هر یک، روایاتی از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) است.

در بعضی از روایات، ولادت اسماعیل در سنین کهولت پدر، بردن او مادرش هاجر به حجاز و رها کردن در آن سرزمین خشک و بیاب و علف و مأموریت یافتن برای ذبح اسماعیل در سنین جوانی، مصداق «کلمات» در آیه شریفه و امتحانات ابراهیم دانسته شده²، در بعضی از روایات نیز از ماجرای ذبح اسماعیل³، و در بعضی از روایات مأموریت او برای بنای خانه خدا و انجام مناسک حج به عنوان امتحاناتی که ابراهیم با آنها روبرو بوده⁴، سخن گفته شده است.

به هر تقدیر، از مجموع روایات و آرای مفسران در این زمینه برمیآید: امتحاناتی که ابراهیم به خاطر توفیق در آنها، شایسته احراز مقام امامت شد، «ارتباط مستقیمی با خانه خدا و حج» دارد. توفیق او در بنای خانه خدا، بردن همسر و فرزندش به سرزمین حجاز و فراهم شدن زمینهای آبادی آن سرزمین با چشمه آب زمزم و اجتماع مردمان، بنای خانه خدا و تأسیس

مرکز عبادت بندگان خدا، انجام اعمال و مناسک حج که تنها یکی از آنها به قربانگاه بردن فرزندش اسماعیل در سرزمین منا است و در يك کلمه «بنیانگذاری حج» او را شایسته مقام امامت نمود. حج حقیقتی بود که پیامبر و خلیل الهی آن را بنیان نهاد و از رهگذر آن به مقام امامت و رهبری نایل گشت. آیا از بنیانگذاری حج با این کیفیت و به دست چنین شخصی، نمیتوان پیوندي عمیق میان حج و امامت را مشاهده کرد و به وجود رمزها و رازهای فراوان شهادت داد؟ البته از بعضی از روایات هم برمیآید که ابراهیم پس از نیل به مقام امامت، مأموریت یافت تا فرزندش اسماعیل را به قربانگاه برَد، گویا چنین ایثاری جز از عهده امام برنمیآید. امام صادق(علیه السلام) میفرماید:

«ابراهیم پس از آنکه اعمال را انجام داد و به منا آمد، مأمور ذبح فرزند شد، فرزند را به همراه خود میآورد که پیرمردی با او برخورد کرد و پرسید: ای ابراهیم، میخواهی با این پسر چه کنی؟ گفت: میخواهم او را ذبح کنم.

عرض کرد: سبحان الله! پسری را میخواهی ذبح کنی که لحظهای مرتکب معصیت الهی نشده؟!!

فرمود: خداوند بدان امر فرموده است.

عرض کرد: پروردگار تو از این کار نهی میکند و شیطان تو را به این کار امر میکند.

فرمود: وای بر تو، آن کسی که مرا به این مقام رساند، مرا به این کار مأمور کرده و این سخن را در گوش من نهاد.

عرض کرد: نه به خدا سوگند، جز شیطان تو را به این کار دستور نمیدهد.

فرمود: نه به خدا سوگند، با تو سخن نمیگویم. سپس تصمیم بر ذبح فرزند گرفت.

پیرمرد گفت: ای ابراهیم، تو امام هستی که مردم به او اقتدا میکنند و اگر تو او را قربانی کنی، مردم نیز فرزندان خویش را قربانی میکنند.

ابراهیم با او سخنی نگفت و رو به فرزند آورد و با او درباره قربانی کردنش مشورت کرد و چون هر دو تسلیم امر پروردگار شدند، فرزند گفت: ای پدر، صورتم را بپوشان و دستانم را ببند⁵.

امامت در قرآن

امامت ابراهیم پس از گذر از عقیبههای دشواری چون ذبح فرزند، چه معنا و مفهومی دارد؟ باید گفت دو احتمال در معنای امام متصور است:

الف امام کسی است که در گفتار و کردار الگویی دیگران باشد و مردم در همه شؤون زندگی به او اقتدا کنند؛ نیل ابراهیم به چنین مقامی، پس از بنیانگذاری کعبه و حج، نشانگر آن است که بارزترین عرصه الگوگیری از ابراهیم، حج است و در انجام اعمال و مناسک حج، باید به او اقتدا کرد. در حج باید از همه دلبستگیها گذشت و تمام هستی خود را در دیار دوست به او سپرد، حتی اگر دلبسته انسان فرزند باشد. ابراهیم چنین مقام و منزلتی را برای فرزندانش

درخواست کرد، فرزندان ابراهیم نیز اگر نه به همه شؤون امامت، لااقل به پارهای از آنها نایل شدند.

ب حکومت و ولایت بر مردم؛ یکی از شؤون امامت، حکومت و ولایت بر مردم است. تفسیر دوّمی که از امام در آیه مبارکه شده، همین معناست، کسی که به تدبیر امور اّمّت و سیاست آنها بر خیزد و در جهت اصلاح امور جامعه، تأدیب متجاوزان به حقوق مردم، نصب کارگزاران حکومتی، اقامه حدود بر متخلفان و جنگ با دشمنان قدم بردارد.

فرزندان اسماعیل به همین معنا امام بودند و سالیان دراز به حکومت و تدبیر امور جامعه میپرداختند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اسماعیل در سن یکصد و سی سالگی درگذشت و در کنار مادرش در حجر به خاک سپرده شد. فرزندان اسماعیل همواره والیان امر بودند، با مردم اقامه حج میکردند و به امر دین آنان برمیخواستند و یکی پس از دیگری جانشین شده و امارت را به ارث میبردند تا زمان عدنان بن ادد⁶» به هر تقدیر، بنیان خانه خدا و مناسک حج، با امامت عجین است؛ چنانکه در طول تاریخ، تا ظهور حضرت بقیة الله اعظم (عج) نیز پیوندی ناگسستنی با امامت دارد.

اسلام و پیوند دادن امامت با حج

پیوند کعبه و حج با امامت، به مرحله تأسیس و بنیان اولیه آن منحصر نیست، بلکه پیوندی مستمر میان آنها برقرار است؛ پیوندی که ایجاب میکند تا «امامت و رهبری جامعه» پس از رحلت رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در سرزمین وحی و موسم حج، ابلاغ و تثبیت شود. رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در سال دهم هجری مأموریت یافت تا برای اولین بار پس از تأسیس حکومت اسلامی عازم سفر حج شود و اعمال و مناسک حج را در عمل به مردم آموزش دهد. {وَأَدْنَى فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ⁷} و صلا دهد که: «خُدُوا عَنِّي مَنَاسِكُمْ» و در همین سفر مأموریت یابد که پیام الهی را مبنی بر امامت و رهبری علی بن ابی طالب (علیه السلام) به عنوان جانشین خویش به مردم ابلاغ کند؛ پیامی که بدون ابلاغ آن، رسالتش را انجام نداده است. امام باقر (علیه السلام) در این باره میفرماید:

«حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مِنَ الْمَدِينَةِ وَقَدْ بَلَغَ جَمِيعَ الشَّرَائِعِ قَوْمَهُ غَيْرَ الْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، فَاتَاهُ جِبْرِئِيلُ (علیه السلام) فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ إِسْمُهُ يَفْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: إِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنْ أُنْبِيَائِي وَلَا رَسُولًا مِنْ رُسُلِي إِلَّا بَعْدَ إِكْمَالِ دِينِي وَتَأْكِيدِ حَجَّتِي وَقَدْ بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ فَرِيضَتَانِ مِمَّا تَحْتَاجُ أَنْ تُبَلِّغَهُمَا قَوْمَكَ: فَرِيضَةُ الْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَالْخِلَافَةِ مِنْ بَعْدِكَ، فَإِنِّي لَمْ أَخْلُ أَرْضِي مِنْ حَجَّةٍ وَلَنْ خَلِيهَا أَبَدًا، فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ تَنَاوُهُ يَأْمُرُكَ أَنْ تَبْلُغَ قَوْمَكَ الْحَجَّ وَتَحْجَّ وَيَحْجَّ مَعَكَ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا مِنْ أَهْلِ الْحَضَرِ وَالْأَطْرَافِ وَالْأَعْرَابِ وَتُعَلِّمَهُمْ وَمِنْ مَعَالِمِ حَجِّهِمْ مِثْلَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَزَكَاتِهِمْ وَصِيَامِهِمْ وَ...»⁸ رسول خدا (صلي الله عليه وآله) از مدینه عازم سفر حج شد، در حالی که همه احکام و شرایع دین، به جز حج و ولایت را ابلاغ کرده بود. جبرئیل نزد او آمده، گفت: ای محمد، خداوند بلند مرتبه سلامت می‌رساند و میگوید: من هیچ پیامبری از پیامبرانم و رسولی از فرستادگانم را قبض روح نکردم مگر بعد از کامل کردن دینم و تأکید بر حجتّم، در حالی که از دین تو دو فریضه بر تو باقیمانده که لازم است بر قومت ابلاغ کنی: فریضه حج و فریضه ولایت و خلافت پس از تو، من زمینم را از حجت خالی نگذاشتم و هرگز خالی نخواهم گذاشت، خداوند به تو امر میکند که حج را به قومت ابلاغ کنی و خود حج به جا آوری و هر که از مردم مدینه و اطراف آن و اعراب

استطاعت دارد با تو حج گزارد و از نشانه‌های حجشان به آنان بیاموزی؛ مانند آنچه که از نمازشان و زکاتشان و روز هشان به ایشان آموختی...»

آیا همین که پیامبر و فرستاده خداوند مأموریت مییابد تا دو امر مهم «مناسک حج» و «امامت و ولایت» جامعه را در يك سفر به مردم ابلاغ کند، حکایت از پیوند این دو حقیقت ندارد؟ پیامبر عازم سفر میشود، اعمال و مناسک حج را به جایی میآورد، ابتدا در عرفات و سپس در منا و در اجتماع عظیم مسلمانان مأمور ابلاغ پیام دوّم الهی (ولایت) میشود، اما در توطئه منافقان و دشمنان و «عدم پذیرش مردم» و تمرّد آنان بیم دارد⁹، تا آن که خطابی توأم با بیم و امید صادر میشود که اگر این پیام را ابلاغ نکنی، گویا رسالتت را انجام ندهای و ما تو را از مردم حفظ خواهیم کرد؛ {يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ} ¹⁰

بدین ترتیب، پس از مقطع بنیانگذاری کعبه و حج توسط ابراهیم و تداوم آن در طی سالیان متمادی که بار دیگر حج ابراهیمی به حج جاهلی بدل شده بود، این بار پیامبر اسلام مأموریت یافت که حج ابراهیمی را احیا کند و احیای آن جز به پیوندش با «امامت و رهبری» امکانپذیر نیست، از این رو پیامبر هر دو را با هم ابلاغ و احیا میکند.

حج از چنان فرصت و ظرفیتی برخوردار است که میتواند ظرف ابلاغ پیام امامت و ولایت باشد؛ پیامی که ابلاغ آن با رسالت رسول خدا (صلي الله عليه وآله) گره خورده و عدم ابلاغ آن با عدم تبلیغ رسالت دین همسنگ است.

حج و ابلاغ پیام برائت

پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) (به تدریج آمادگی ابلاغ حج ابراهیمی را در مردم ایجاد میکند. او در سال هشتم هجری که با سپاهی عظیم مکه را فتح میکند، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را، که بنا بر وعده‌های او جانشین پیامبر و امام و رهبر آینده بود، بر دوش میگیرد تا به همراه خود، او نیز بتها را به زیر افکند و بت شکنی ابراهیم را در یادها زنده کند، آیا بدین جهت نیست که پاک کردن خانه خدا از لوث وجود بتها باید اولین بار به دست امام و رهبر جامعه انجام شود تا الگویی برای همگان باشد؟ بت شکنی در پایگاه توحید راه و رسم ابراهیم است و او الگویی بشر، به خصوص امت اسلامی است. پیامبر عظیم الشان اسلام نیز مأمور بود تا به او تأسی نماید؛ چنانکه هم خود و هم جانشینش به او تأسی کرد و خانه خدا را از لوث بتها پاک ساخت؛ {فَدَّ كَانَتْ لَكُمْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لَقَوْمُهُمْ إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ} ¹¹... در سال نهم هجری، باز هم علی بن ابی طالب را به امر الهی برای ابلاغ سوره برائت به سرزمین وحی و پایگاه توحید و یکتاپرستی اعزام میکند. او مأمور میشود تا پیام برائت را از ابی بکر باز پس بگیرد و خود برای ابلاغ آن در موسم حج و در اجتماع عظیم مسلمانان اقدام کند¹². این پیام که با تأسی به ابراهیم خلیل، قهرمان توحید و بت شکن تاریخ، در سرزمین وحی ابلاغ میشود، توسط شخصی انجام میگیرد که به مقام امامت نایل شده، هر چند پاره‌ای از شؤون آن، پس از رحلت رسول خدا (صلي الله عليه وآله) محقق خواهد شد.

این همه، حاکی از پیوند عمیقی است که میان کعبه و حج از يك طرف و امامت و رهبری جامعه از طرف دیگر برقرار است و خدای سبحان در مقاطع گوناگون سعی در نمایاندن این پیوند داشته است.

رؤوس سخنرانیهای رسول خدا در حَجَّة الوداع

افزون بر رفتار رسول خدا (صلي الله عليه وآله)، سخنان آن حضرت در حَجَّة الوداع، همچنین سخنرانیهای متعدد حضرتش در یوم الترویة در مکه، در عرفات، در روز عید، وسط ایام تشریق و یوم النفر در منا و در صحرائی غدیر خم، حکایت از پیوند عمیق حج و ولایت و رهبری در شؤون مختلف آن دارد. حضرت از تعالیمی سخن میگوید که جز در سایه ولایت و رهبری و حج امکان تمرین و تحقق آن وجود ندارد:

- تأکید بر وحدت انسانی و الغای تمایزات قومی و قبیلہای و نژادی.

- رفتار انسانی با زنان و دختران.

- الغای آثار و بقایای جاهلیت.

- برقراری اخوت و برادری اسلامی میان مسلمانان¹³.

- احترام به حقوق یکدیگر در جامعه.

- تأکید بر ثقلین؛ کتاب و عترت¹⁴.

- بشارت به امامت و جانشینی علی بن ابی طالب (علیه السلام).

- بشارت به امامت فرزندان علی بن ابی طالب (علیه السلام).

- اطاعت از رهبری¹⁵ و...

دقت و تأمل در هر يك از سر فصلهای یاد شده، که رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در این سفر و سرزمین وحی به مردم ابلاغ کرد، نشان میدهد که حج، آن هم در پرتو ولایت و رهبری، میتواند جامعه را به سمت صلاح و فلاح سوق دهد.

امام خمینی (قدس سره)، احیاگر حج ابراهیمی در عصر حاضر میفرمود:

«از آنجا که جامعه امت اسلامی از هر نژاد و ملیتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد (صلي الله عليه وآله) پیوند خورد و یکی گردد و ید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است¹⁶». «آری، بدیهی است بدون چنین تمرینی نمیتوان ارزشهای انسانی و الهی را به معنای واقعی در جامعه اسلامی تحقق بخشید و تمرین ارزشهای انسانی و الهی در حج ابراهیمی و محمدی (صلي الله عليه وآله)، که محور اساسی آن ولایت و رهبری است، امکانپذیر است و بس

پیوند با ولایت، شرط قبولی حج

پیوند ولایت و حج، جلوهها و نشانههای دیگری هم دارد. زید شحام میگوید:

«قتادة بن دعامة بر امام باقر (علیه السلام) وارد شد، حضرت از او، که معروف به فقیه اهل بصره بود، درباره تفسیر قرآن و آیه مبارکه ﴿قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ﴾¹⁷

سؤال کرد، او نیز هر کسی را که با زاد و توشه حلال راهی مکه شود در امان است، معنا کرد، حضرت فرمود: «وَيَحْكُ يَا قَتَادَةَ ذَلِكَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ بِزَادٍ وَ رَاحِلَةٍ وَ كِرَاءِ حَلَالٍ يَرُومُ هَذَا الْبَيْتَ عَارِفًا بِحَقِّهَا يَهُوَفِي قَلْبِهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (فَأَجْعَلْ أَقْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ)»¹⁸ }

سپس افزود: «مراد تمایل قلبها به سمت کعبه نیست، اگر چنین بود باید با ضمیر مفرد (الیه) میفرمود نه جمع (الیهم).»

به خدا سوگند آن که ابراهیم فرا خواند تا قلبها به سوی او متمایل شود، ماییم که در این صورت حش قبول خواهد شد وگرنه نه، و چنین فردی در روز قیامت از عذاب جهنم ایمن خواهد بود¹⁹». ملاحظه میشود که معرفت و شناخت حق ائمه معصوم (علیهم السلام) که همان ولایت و رهبری آنهاست و تمایل قلبی به سوی آنان شرط قبولی حج کسی است که با زاد و توشه حلال راهی بیت الله الحرام شده است و امنیت در قیامت در گرو آن است.

پیوند با ولایت و رهبری، شرط تمامیت حج

در بعضی از احادیث اتمام حج به ملاقات با امام عصر و اعلان آمادگی بر حمایت و اطاعت از او شمرده شده است. امام باقر (علیه السلام) در این زمینه میفرماید:

«فعال كفعال الجاهليّة اما والله ما امروا بهذا و ما امروا الا أن { يَفْضُوا نَفْسَهُمْ وَ لِيُؤْفُوا أَدْوَرَ هُمْ }²⁰ فَيَمْرُوا بنا فيخبرونا بولايتهم و يعرضوا علينا نصرتهم»²¹ «این اعمال مانند اعمال زمان جاهلیت است، آگاه باشید، به خدا سوگند مردم به حج مأمور نشدند، مأمور نگشتند مگر این که مناسک حج و حلق و تقصیر بهجا آورده، به عهد و نذرهای خویش وفا کنند (یعنی به ملاقات امام آیند) بر ما بگذرند و ولایت و محبتشان را به ما اطلاع دهند و نصرت و یاری خود را بر ما عرضه نمایند.» امام (علیه السلام) عمدهترین تفاوتی که بین «اعمال حج در عصر جاهلیت» و «اعمال مناسک حج پس از ظهور اسلام» قائل شده و بر آن انگشت اشارت نهاده، «امامت و ولایت» است، ابراز محبت و علاقه به امام و اعلان آمادگی برای نصرت و یاری او در جهت نیل به اهداف متعالی امام. به راستی چه راز و رمزی در امامت و ولایت نهفته است که حج ابراهیمی را از حج جاهلی امتیاز میبخشد؟

امنیت حرم الهی در پیوند با رهبری

در بعضی از احادیث، امنیت حرم، که به درخواست ابراهیم خلیل از خداوند سبحان تأمین شد، در پرتو حضور امام و پیوند با او دانسته شده است.

امام صادق (علیه السلام) درباره معنای آیه مبارکه { وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا } از ابوحنیفه سؤال میکند: در حالی که حجّاج کعبه را به منجنیق بسته و ابن زبیر در درون خانه بود، پس امنیت مورد نظر در آیه چه امنیتی است؟ ابوحنیفه از پاسخ به این پرسش عاجز ماند، امام فرمود:

{ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ }²² { یعنی مع قائمنا أهل البيت «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»²³ «فمن بايعه و دخل معه و مسح علي يده و دخل في عقد اصحابه كان آمناً»²⁴ «شبهها و روزها در این ده و شهرها با ایمنی کامل سفر کنید»؛ یعنی با قائم ما خاندان، «و هر که در آنجا (بیت الله الحرام) داخل شود، ایمن باشد، پس هر که با او (قائم ما خاندان) بیعت کرده، با او داخل خانه خدا شود و دست او را مسح نماید و در عقد و پیمان یاران او درآید، ایمن خواهد بود.» شاید مقصود امام (علیه السلام) بیان این نکته باشد که تأمین امنیت خانه خدا در پرتو بیعت با امام زمان و

یاری و حمایت از او و در نتیجه حاکمیت او بر این سرزمین به دست می‌آید و گواهی آن که در اعصار مختلف با حاکمیت حاکمان جور این امنیت مخدوش شده است، حتی شخصیتی چون امام حسین (علیه السلام) جانش در این سرزمین در معرض تهدید قرار گرفته است.

پیوند ابدی حج با امامت

نه تنها بنیان کعبه و حج در تداوم حیات آن، در پیوند عمیق با امامت و رهبری است، بلکه سرنوشت ابدی آن نیز با ولایت و رهبری گره خورده است. حضور همه ساله امام عصر (عج) منجی عالم بشریت در موسم حج و نظارت بر رفتار و عملکرد مسلمانان و بالأخره ظهور آن حضرت در سرزمین وحی و در کنار خانه خدا، پشت به مقام و بر آوردن صلابت توحید و فراخوانی عمومی²⁵، بیعت با یاران در مسجد الحرام و در میان رکن و مقام²⁶، حکایت از ارتباط تنگاتنگ حج و امامت دارد.

مبارزه با شرک و کفر و ظلم و بیعدالتی و برپایی قسط و عدالت در پهنه گیتی نیز از سرزمین وحی و کنار خانه خدا آغاز می‌شود. در بعضی از روایات «یوم الحج الأكبر» در آیه مبارکه {وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ} ²⁷ {را روز ظهور آن حضرت دانسته‌اند که مردم را از جانب خدا و رسول او به قیام فرا میخواند²⁸. سرزمین وحی، پایگاه توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی بوده و خواهد بود. همانطور که ابراهیم (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله) حرکت خود را از این پایگاه آغاز کردند، بلکه برای جانشینان خویش نیز همین مکان را به عنوان پایگاه معرفی کردند. به همین جهت امام عصر (عج) نیز حرکت خود را از این سرزمین آغاز خواهد کرد که نشانه‌های از پیوند این سرزمین، مرکز توحید حج ابراهیمی با امامت است.

اقامه حج ابراهیمی در سایه حکومت اسلامی

افزون بر مظاهر متعددی که از پیوند حج و امامت بیان شد، اساساً برپایی حج ابراهیمی و محمدی (صلی الله علیه و آله) با خصوصیات و ویژگی‌های آن، جز در پرتو حکومت اسلامی امکانپذیر نیست؛ به ویژه که برای تأمین اهداف حج، «امارت حج» و نقش امیرالحاج مطرح است. ضرورت وجود امیرالحاج در موسم حج از جهات مختلف و نصب او از سوی حاکم اسلامی در صدر اسلام و نیز حکومت‌های بعدی نشانه حضور جدی حکومت در حج است. با فقدان حکومت، مراسم حج بدون امیر انجام شده و بسیاری از اهداف آن تأمین نخواهد شد.

در طول تاریخ، حاکمان اسلامی مقید بودند تا شخصی واجد شرایط را به عنوان «امیرالحاج» نصب کنند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نصب سرپرست - لاقلاً برای حجاج ایرانی - از سوی رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره) با نگرشی که او به حج و رسالت حجاج داشت و تحولی که در پرتو آن در حج ایجاد شد، هر چند با موانع فراوانی از سوی دشمنان آگاه و دوستان جاهل روبرو گردید، گواه روشن بر نقش منحصر به فردی است که حکومت میتواند در حج ایفا کند؛ نقشی که از غیر حکومت برآورده شدنی نیست²⁹. به نظر میرسد هر اقدامی که نقش حکومت را در حج تضعیف کند و پارهای از اهداف حج بر زمین بماند، با فلسفه حج ناسازگار است. از چندی پیش زمره خصوصی سازی حج بر سر زبانها بود و اکنون با تأسف به مرحله عمل درآمده است. اگر مقصود از خصوصی سازی حج تنها مربوط به امور خدماتی و امثال آن باشد ظاهراً منافاتی با فلسفه و اهداف حج ندارد، اما اگر خصوصی شدن به معنای خارج شدن امر حج از اختیار حکومت اسلامی باشد؛ به طوری که حکومت اسلامی نتواند با اهرم‌های لازم در جهت اهداف متعالی حج قدم بردارد، چنین

تصمیمی حج را از هویت اصلی خارج کردن است. پیوند عمیق و گسترده‌ای که در میان «حج و حکومت» برقرار است، آثار و برکات فراوانی دارد و گسستن این پیوند جز لطمه زدن به حج و آن را به صورت عبادتی فردی و خشک و بیثمر در آوردن و به تعبیر امام راحل عظیم الشان در حد یک سفر زیارتی - سیاحتی تنزل دادن³⁰، نتیجه دیگری ندارد. از این رو مقوله خصوصی سازی در این زمینه، به خصوص حج، نیاز به تأمل و دقت فراوانی دارد تا همه ابعاد و جوانب آن سنجیده شود.

اما بعضی از ویژگیها و خصوصیات که در حج، حاکی از نقش حکومت در حج است، عبارتند از:

الف - وحدت مسلمانان

بیشک یکی از اهداف متعالی حج، ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل امت واحد اسلامی است.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) برای رسیدن به اهداف اسلام در جهان، به دنبال تشکیل امت واحد اسلامی بود؛ چرا که بدون تشکیل چنین امتی، امکان به دست گرفتن قدرت جهانی و تأسیس حکومتی فراگیر برای تحقق اهداف کلان اسلامی وجود ندارد. اقامه قسط و عدالت در جهان، بدون خارج کردن قدرتمندان دنیا طلب و مستکبران فزون طلب عملی نخواهد شد و خارج نمودن آنان از صحنه، در گرو وحدت اسلامی و ایجاد قدرتی واحد و منسجم از مسلمانان از هر قوم و ملیت و نژاد و قبیله‌ای است و چون این هدف بهطور کامل در آخر الزمان و با ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) تحقق خواهد یافت، حج با چنین هدفی تشریح شده تا ضمن تحقق وحدت اسلامی به قدر امکان در اعصار مختلف، زمینه وحدت اسلامی بهطور کامل در آن زمان فراهم باشد. اصرار بر اقامه حج و تعطیل نشدن آن، هر چند به قیمت مجبور کردن مردم و پرداخت هزینه حج از بیت‌المال مسلمین گواه بر این واقعیت است که قانونگذاری حکیم به هدفی والا می‌اندیشید و نیل به آن هدف را در سایه حج، با استعدادها و ظرفیتهای فوق‌العاده‌اش مشاهده می‌کرد. در جهان بشریت، اجتماعی با شکوهرتر و فراگیرتر از حج وجود ندارد و اسلام با فراهم آوردن این اجتماع بینظیر، عملاً در جهت جهانی شدن خویش و حاکمیت بر گیتی قدم برداشته است. در حج است که همه مسلمانان از سیاه و سفید، عرب و عجم، آزاد و بنده، ربیب و مرئوس، حاکم و رعیت، همه و همه در یک زمان و در یک مکان در کنار یکدیگر و با لباسی متحد اجتماع میکنند و همگی اعمال و مناسک مشترکی را به جا می‌آورند و بدینسان به وحدتی عمیق و گسترده در میان خویش نایل میشوند. هیچکس خود را برتر از برادر مسلمانش احساس نمیکند، این احساس را در حج تمرین میکند تا در طول حیاتش با چنین احساسی زندگی کند. به وجود آمدن چنین وحدتی بهطور کامل در سایه حکومت ممکن است. حکومت است که میتواند شرایط حضور همه جانبه اقشار مختلف را بدون کمترین تبعیضی فراهم سازد. حکومت است که میتواند در حج، تخطی از این محور اساسی را مانع شود و تفرقه‌افکنان و جداییطلبان در صوف مسلمانان را تأدیب نماید. حکومت است که با اهرمهایی که در اختیار دارد، زمینهای تحقق این وحدت را فراهم کرده و موانعش را برطرف میکند؛ زیرا همگان به چنین وحدتی رضایت نداشته و کوتهفکران و جاهلانی هستند که از موانع جدی وحدت اسلامی به شمار میروند. امام خمینی (قدس سره) از سران سرسپرده کشور های اسلامی و آخوندهای بیسواد درباری به عنوان دو گروه تفرقه افکن یاد میکرد و میفرمود:

«طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی، از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود میبرند و عملاً از خدا بیخبر آنان از آن جمله و عاظ السلاطین که از سلاطین

جور سیاهرو بپنرند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن میزنند و گریبان چاک میکنند و در هر منطقه به امید آن که اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند؛ طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه میدارند³¹».

ب - حج و بیداری اسلامی

بیتریدید رشد و تعالی هر ملتی در گرو «آگاهی و بیداری» است. ملت فرو خفته و ناآگاه از آنچه که در اطرافش میگردد، نمیتواند به رشد و تکامل دست یابد و «امترتر» گردد. حج ظرفیت بسیار بالایی برای دستیابی به این هدف دارد. در حج که مسلمانان از بلاد دور و نزدیک جمع میشوند، زمینه تبادل نظریه، بیان ویژگیهای هر منطقه و هر قوم و قبیله و ملتی و در نتیجه آگاهی مردم فراهم میشود.

در طول تاریخ، مردان بزرگ و مصلحان و بیدارگران، از فرصت حج برای بیدار کردن مسلمانان استفاده میکردند.

امام حسین (علیه السلام) در سرزمین مناطی یک سخنرانی، پرده از جنایات و خیانتهای معاویه برداشت.³²

امام باقر (علیه السلام) وصیت کرد که تا ده سال در سرزمین منا برای او عزاداری کنند و بدین وسیله زمینه بیداری مردم را از مظالم بنی امیه فراهم ساخت.³³ امام خمینی (قدس سره) در این باره فرمود:

«حضرت باقر (علیه السلام) وقتی که می خواستند فوت کنند، وصیت کردند که ده سال ظاهراً که در منا اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزهای است؟ حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر میخواست چه کند گریه را؟ آن وقت هم در منا چرا؟ ایام حج در منا این همین نقطه اساسی، سیاسی، روانی، انسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم میآیند میگویند چه خبر است، چیست؟ می گویند این طور بود، این توجه میدهد نفوس مردم را به این مکتب و ظالم را منهدم میکند و مظلوم را قوی میکند. ما جوانها دادیم، کربلا جوانها داده، ما این را باید حفظش کنیم³⁴» در عصر ما نیز امام خمینی (قدس سره) در دوران تبعید با ارسال پیامهایی در موسم حج برای مسلمانان بلاد مختلف، در جهت بیدار کردن ملل مسلمان از مسائل و مشکلات جهان اسلام قدمهایی مؤثری برمی داشت. او میفرمود:

«بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت میکنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملتها، بیانیهای مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت نشر دهند و در آن بیانیها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب العین خود قرار داده، اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیاندیشند³⁵» بیشک بیداری اسلامی، چنانکه از سوی حکومتی اسلامی پیگیری و حمایت شود، زودتر به نتیجه خواهد رسید. حکومت با اطلاع و احاطهای که به مسائل جهان اسلام و طرحها و ترفندهای دشمنان اسلام و مسلمین دارد و با ابزارهایی که در اختیار او است، بهتر و بیشتر میتواند در این زمینه مؤثر باشد. آیا بیداری اسلامی، که از سوی بعضی از شخصیتهای متمدن و دلسوز ایرانی و غیر ایرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در موسم حج انجام میگرفت، میتواند با نقشی که امروزه نظام جمهوری اسلامی در این زمینه در موسم حج ایفا میکند، قابل قیاس باشد؟ آیا علما و دانشمندان

و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی که با حمایت نظام جمهوری اسلامی می‌توانند در موسم حج نقش آفرینی کنند و به بیداری امت اسلامی برخیزند، می‌تواند با اقدامات انفرادی تعدادی از علما و دانشمندان مقایسه شود؟ بدیهی است که نمی‌توان نقش مؤثر حکومت را در این زمینه انکار کرد و یا نادیده گرفت.

ج - حل مشکلات مسلمانان و مستضعفان

یکی دیگر از اهدافی که در حج تأمین می‌شود «حل مشکلات مسلمانان» است. بیداری مسلمین، حل مشکلات مسلمانان را به دنبال دارد. حج که کانون اجتماع همه اقشار؛ اعم از دانشمندان، ثروتمندان، امیران، صاحب‌منصبان، سیاستمداران و عموم مردم است، فرصتی استثنایی است برای تشکیل جلسات و گردهمایی‌های متنوع در موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تبادل نظریه میان متخصصان هر فن، تا از این رهگذر مشکلات جهان اسلام مرتفع شود. متأسفانه از این فرصت استثنایی آن گونه که شایسته است بهره گرفته نمی‌شود. از همین رو حضرت امام خمینی (قدس سره) حج را محجور میدانست و می‌فرمود:

«اکنون که موسم حج بیت الله الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانه خدا آمده‌اند، لازم است در خلال اعمال شریفه حج به یکی از بزرگترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی رسیدگی کرده و از گرفتاری‌های برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن در حد وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام بر امر مسلمین از فرایض مهم اسلام است³⁶». امام خمینی (قدس سره) از این که فلسفه مهم حج مورد غفلت قرار گرفته، اظهار تأسف نمود، می‌فرمود:

«در این فکر ابداً نیستیم که اولاً کسانی که می‌توانند بروند، بروند مشرف شوند در خانه خدا و کسانی که اصحاب تفکر هستند، نویسنده هستند، روشنفکر هستند و عالم هستند، در آن محیط مجتمع بشوند و مشکلات مسلمین را در تمام جهان بررسی کنند، آنچه که می‌توانند حل کنند. ما الآن از تشریف مکه و حج بیت‌الله جز این که يك دسته اشخاص عامی مردم، عامه مردم در آنجا مجتمع بشوند و اشخاص مؤثری که می‌توانند از حکومتها، از بزرگان قوم در آنجا مجتمع بشوند و مسائل اسلام و مسائل مسلمین را در مسائل سیاسی و اجتماعی مسلمین بررسی کنند، معالاف این امر مغفول عنه است³⁷». همانطور که در کلمات امام راحل ملاحظه می‌شود، حل مشکلات اساسی اسلام و مسلمین نیازمند حضور افراد و شخصیت‌های مؤثر است، و مؤثرترین افراد حکومتها و نمایندگان آنانند. آنچه که امروزه نظام جمهوری اسلامی و حکومت‌های اسلامی دیگر می‌توانند گره از مشکلات مسلمین بگشایند، از افراد و شخصیت‌هایی که به صورت انفرادی برای حل مشکلات اقداماتی انجام می‌دهند، به مراتب بیشتر و مؤثرتر است؛ به‌طور طبیعی حکومت می‌تواند همه توان و ظرفیت و امکانات خود را برای حل معضلات جهان اسلام به کار گیرد و در صورت لزوم نیروهای لازم را برای این امر بسیج کند، در حالی که توان افراد و گروهها بسیار محدود است.

برائت از مشرکان

نکته مهم دیگری که حج ابراهیمی و محمدی (صلي الله عليه وآله) بدون آن، معنا و مفهومی ندارد، «برائت از مشرکان» است؛ همان چیزی که در عصر رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به پیروی از ابراهیم خلیل (عليه السلام) احیا شد و در عصر ما توسط امام خمینی، احیاگر حج ابراهیمی، بار دیگر مطرح گردید. اعلان برائت از مشرکان و مستکبران عالم و حمایت از

محرومان و مظلومان و مستضعفان، فلسفه مهم دیگر حج است که خود حکایت از پیوند حج با حکومت دارد؛ زیرا این مهم بدون حضور حکومت و حمایت جدی آن از زائران بیتالله الحرام عملی نمیشود. برائت انفرادی از سوی تعدادی از افراد یا گروهها به صورتی پراکنده و متفرق و به تشخیص خویش، هر چند بیثمر و بدون تأثیر نیست، اما هدف اصلی از تشریح این دستور را تأمین نمیکند. برائتی دارای اثر و ثمر است که با هدایت امام و حاکم جامعه از سوی همه حجاج بیت الله الحرام و در اجتماعی عظیم و کم نظیر و به صورتی متشکل و منسجم انجام شود. به تعبیر امام راحل: «فریاد برائت مکه و مدینه است که پایانبخش غارتگری آمریکا و سایر مستکبران نسبت به ذخایر مسلمین است»³⁸. در صدر اسلام نیز پس از تأسیس حکومت اسلامی در مدینه و استقرار آن، ابلاغ پیام برائت بر عهده رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) نهاده شد و آن حضرت نیز امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را به این مأموریت اعزام کرد. اساساً اعلان برائت از شرک و بت پرستی و مشرکان و مستکبران، به طوری که کبان آنان را در معرض خطر قرار دهد، چنانکه مستظهر به قدرت حکومت نباشد، کاری بس دشوار و گاهی غیر ممکن است. برای آن که اعلان برائت از مشرکان به ثمر نشیند، لازم است که از پشتوانهای قوی و نیرومند برخوردار باشد تا با تحمل کمترین صدمات، بیشترین ثمر را برای اسلام و مسلمین به ارمغان آورد، هر چند در صورت محرومیت از چنین پشتوانهای هم، اعلان برائت از مشرکان به قدر توان لازم است.

باری، از مجموع اهداف یاد شده و نیز آرمانهای دیگری که سبب تشریح عبادتی چون حج گردیده، برمی آید که میان این عبادت جمعی با حکومت، پیوندی مستحکم برقرار است؛ چرا که بعد سیاسی این عبادت به حدی است که تأمین آن از عهده افراد خارج است و تشکلی قوی و برخوردار از امکانات فراوان همچون حکومت را میطلبد. از همین رو نظام جمهوری اسلامی و هر حکومتی که داعیه اسلامیت دارد، در عرصه حج وظایفی سنگین و اساسی بر عهده دارد. نمیتوان حکومتی را اسلامی خواند ولی نسبت به تحقق اهداف و آرمانهای حج بی تفاوت بود، حکومت اسلامی نمیتواند خود را از این شأن و مقام تنزل دهد و امر حج را به افراد یا سازمانهای غیر حکومتی واگذارد.

پینوشت ها

- 1 بقره: ۱۲۴

- 2 علامه محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۱۳

- 3 امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۰

- 4 همان

- 5 بحار الأنوار، ج ۱۲، صص ۱۲۷ - ۱۲۵

- 6 همان، ص ۱۱۳

- 7 حج، ۲۷

- 8 ابومنصور طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۳۴

- 9- همان صص ۱۳۹ - ۱۳۵
- 10- مائده 67 :
- 11- بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۷۵
- 12- ممتحنه: ۴
- 13- ابن شعبه حراني، تحف العقول، ص ۳۰
- 14- علي بن ابراهيم، تفسير القمي، ج ۱، ص ۱۷۱
- 15- تحف العقول، ص ۳۰
- 16- امام خميني، صحيفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۸
- 17- سبأ 18 :
- 18- ابراهيم: ۳۷
- 19- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۳۷
- 20- حج 29 :
- 21- الحويزي، تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۴۹۱
- 22- سبأ 18 :
- 23- آل عمران: ۹۷
- 24- شيخ صدوق، عمل الشرايع، ص ۸۹
- 25- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹
- 26- همان، ج ۵۲، ص ۳۰۴
- 27- توبه 5 :
- 28- عياشي، تفسير عياشي، ج ۲، ص ۷۶، ح ۱۵
- 29- در اين موضوع نگاه كنيد به فصلنامه «مقيقات حج» ش ۳۰ مقاله «امارت حج و زعامت حجاج.»
- 30- صحيفه نور، ج 20، ص ۲۲۷
- 31- همان، ج ۱۵، ص ۱۲۴

- 32 موسوعة كلمات الامام الحسين (عليه السلام)، ص ٢٧١ «اما بعد فان هذه الطاغية قد فعل بنا و بشيعتنا ما قدر ايتم و علمتم و شهدتم و اني اريد ان اسألكم عن شيء فان صدقت فصدقوني و ان كذبت فكذبوني، اسمعوا مقاليتي و اكتبوا قولي ثم ارجعوا الي امصاركم و قبائلكم فمن آمنتم من الناس و وثقتم به فادعوهم الي ما تعلمون من حقنا فاني ما تخوف ان يدرس هذه الامر و يذهب الحق و يغلب و الله متم نوره و لو كره الكافرون» امام حسين (عليه السلام) (از علمائ و بزرگاني كه مخاطب بودند، ميخواهد كه سخنان او را بشنوند و بنويسند و پس از بازگشت به شهر و ديار خويش به مردم ابلاغ كنند و آنان را نسبت به حق اهل بيت رسول خدا (صلي الله عليه و آله) آگاه سازند.

- 33 محمد باقر مجلسي، جلاء العيون، ص ٦٩٢

- 34 صحيفه نور، ج 10، ص ٢١٧

- 35 همان، ج ١، ص 156 سال ١٣٤٩/١١/١٩

- 36 همان، ج ٢، ص 172

- 37 همان، ج ١٣، ص ١٢٣

- 38 همان، ج ٢٠، ص ٢٣٣